

گفتمان انقلاب اسلامی و طراحی سناریوهای آینده مدیریت و برنامه‌ریزی شهری ایران

عین‌اله کشاورز ترک*

چکیده

شهر در گفتمان انقلاب اسلامی، هنوز جایگاه نظری و عملی خویش را برای تصویرپردازی آرمان شهر، نیافته است. آینده مدیریت و برنامه‌ریزی شهری بر مبنای شکل‌دهی جدید برنامه‌ریزی از طریق فرهنگ جامعه اسلامی ایرانی قابل ترسیم می‌باشد. از مطالعه و تحلیل سه حوزه نظریه برنامه‌ریزی، نظریه فرهنگ و آینده پژوهی امکان تدوین رویکردها و روش‌های نوین مدیریت و برنامه‌ریزی شهری مهیا می‌گردد. حال با توجه به مسأله فوق سؤال این است که آینده برنامه‌ریزی در نظام توسعه شهری بر پایه گفتمان انقلاب اسلامی چه سناریوهایی می‌تواند داشته باشد؟ با توجه به مطالعات و بررسی‌های انجام گرفته، عوامل و روندهای مؤثر مورد بررسی قرار گرفته است. پس از شناخت روندهای و پیشران‌های در زمینه موضوع پژوهش، جایگاه پیشران‌هایی با عدم قطعیت بالا که در عین حال با اهمیت‌ترین آن‌ها نیز هستند، با استفاده از نظر خبرگان مشخص گردید و عدم قطعیت‌های "جریان اقتصادی-اجتماعی یا جریان سیاسی"، "تغییر در نظام برنامه‌ریزی و مدیریت شهری (مدیریت یکپارچه شهری یا مدیریت بخشی)" و "تغییر در سبک زندگی و امید به آینده (نگرش مادی-نگرش ارزشی)" به‌عنوان با اهمیت‌ترین عدم قطعیت‌ها شناخته شدند. همچنین با توجه به ارتباط معنادار این سه عدم قطعیت فضای سه بعدی شکل گرفته است. با در نظر گرفتن ترکیب مناسب برای فضای مطرح شده فضای سناریوی‌ها در آینده پیش‌رو تبیین شده است.

کلید واژه‌ها: سناریو نویسی، گفتمان انقلاب اسلامی، برنامه‌ریزی، شهر ایرانی-اسلامی

مقدمه

آینده‌پژوهی عبارت است از فرایند شکل‌دادن به گستره‌ای از دیدگاه‌ها درباره روش‌های ممکن که به فراخور آن آینده شکل می‌گیرد. همچنین از طریق آینده‌پژوهی به کفایت این روش‌ها پی می‌بریم و در می‌یابیم برای رسیدن به فردایی بهتر چه تصمیماتی را اتخاذ کنیم (هورتون، ۱۹۹۹: ۵). یکی از پیش‌فرض‌های اساسی آینده‌پژوهی آن است که آینده محتوم و قطعی نیست، و پدید آمدن آن بستگی بی‌واسطه به اراده‌ی انسان‌ها دارد. در آینده‌پژوهی، همواره سخن از آینده‌ها است و آینده‌پژوهان باور دارند که فرا روی هر فرد، سازمان و یا جامعه‌ای، آینده‌هایی متفاوت وجود دارد و آینده‌ی مطلوب را باید طراحی و معماری کرد. این دانش به انسان می‌آموزد که چگونه آینده‌ای مطلوب را برای سازمان و یا جامعه‌ی خود در حوزه‌های مختلف (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، صنعتی و...) ترسیم کند. تصویرپردازی آینده ارتباط دوسویه‌ای با فرهنگ و ارزش‌های جامع دارد و خلق و ساخت آینده بر پایه ارزش‌های در حال شکل‌گیری در زمان حال استوار می‌باشد. برای ایفای نقش موثر در شکل‌بخشیدن به آینده‌ی جهان ضرورت دارد با اتکا به رویکردهای جدید برنامه‌ریزی، به شکل جدی پیشران‌های توسعه و تحولات آینده را بر پایه‌ی کلان‌روندها و روندهای ناپیوسته، در سطوح شهری، منطقه‌ای و ملی شناسایی کنیم.

در راستای تبیین جایگاه جدید برنامه‌ریزی در نظام برنامه‌ریزی و توسعه شهری آینده لازم است فرهنگ در متن نظام برنامه‌ریزی قرار گیرد به عبارتی برنامه‌ریزی شهری دارای ماهیت و هویت فرهنگی مبتنی بر گفتمان انقلاب اسلامی گردد در تحلیل جایگاه جدید برنامه‌ریزی فرهنگی در گام اول نیازمند توجه به مبانی روش‌شناختی و تدوین روش‌ها و الگوهای بومی می‌باشیم که مبانی فرهنگ وارد ابعاد برنامه‌ریزی گردد. بر مبنای تجربه عملی، کنش با پدیده‌های اجتماعی و تسلط بر مبانی نظری و بین‌رشته‌ای این حوزه، می‌توان رویکرد جدیدی را مبتنی بر تعاریف جدید، مبانی هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی، ارائه نمود، تبیین ابعاد "فرهنگ مبتنی بر گفتمان انقلاب اسلامی" در نظام برنامه‌ریزی شهری منجر به ایجاد خلاقیت و نوآوری روشی در این حوزه خواهد شد. حال با توجه به مسأله فوق سوال این است که مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام توسعه شهری آینده ایران مبتنی بر گفتمان انقلاب اسلامی چه سناریوهایی می‌تواند داشته باشد؟ با توجه به ادبیات و مطالعات و بررسی‌های انجام گرفته، عوامل و روندهای موثر مورد بررسی قرار گرفت، بر همین اساس در این مقاله به طراحی سناریوهای می‌پردازیم.

۱. اهمیت و ضرورت پژوهش

برنامه‌ریزی و سیاستگذاری علمی در هر حوزه ای مستلزم عبور از مراحل چندگانه ذیل است: بررسی و تحلیل وضعیت موجود، جمع آوری اطلاعات مربوطه، تعیین و ترسیم وضعیت مطلوب براساس راهبردها و اهداف کلان، برنامه ریزی و سناریوپردازی برای تغییر وضع موجود و رسیدن به وضع مطلوب، اجرای برنامه ها و ارزیابی نتایج حاصله. بر همین مبنا، مرحله آغازین آینده برنامه ریزی و مدیریت شهر، توجه به مبانی روش شناختی و ارزشی جامعه می باشد. این مبانی ارزشی در آینده شهر از گفتمان انقلاب اسلامی تاثیر می پذیرند.

لذا در تبیین اهمیت موضوع، توجه به عصر حاضر به عنوان یک عصر فرهنگی شناخته شده است. ادبیات گسترده ای در زمینه علوم اجتماعی به "چرخش فرهنگی"^۱ مربوط می شود که از دهه ۱۹۹۰ به بعد، از آن به عنوان تجربه توصیفی یاد شده است. نظرات نویسندگان علوم جامعه شناسی، اقتصاد، جغرافیا، مطالعات فرهنگی و نظریه فرهنگی (یونگ، ۲۰۰۸؛ فاضلی، ۱۳۹۱؛ جیمسون^۲، ۱۹۸۴؛ اسمارت^۳، ۱۹۹۳؛ کاستلز^۴، ۱۹۹۸) بر موجودیت و رویه کاری چنین عصری دلالت دارند. با توجه به این موضوع، هدف تبیین رابطه برنامه ریزی، فرهنگ و آینده پژوهی در آینده برنامه ریزی و مدیریت شهری می باشد. آینده برنامه ریزی به معنای برنامه ریزی که هویت و ماهیت فرهنگی دارد با باورها و اعتقادات، رفتارها و کنش ها و ارزش ها در ارتباط می باشد. با توجه به اینکه بیشتر رفتارها و کنش ها در سطح تمرکز قلمرویی و فضایی (محله، شهر و منطقه) شکل می گیرد، نیازمند تدوین سناریوهای آینده مدیریت و برنامه ریزی در سطح تحلیل شهر می باشیم. در نظام برنامه ریزی شهری کنونی، رفتارها و کنش ها در زمان کوتاه مدت بیشتر عملیاتی می گردد و توسعه پایدار نیازمند توجه بیشتر به لایه اعتقادات و باورها و ارزشها (ابعاد گذشته و آینده) نیز می باشد. در جمع بندی بر اساس ماهیت عصر کنونی، جایگاه مبانی ارزشی در برنامه ریزی شهری و ارتباط آن با مبانی توسعه پایدار، مبانی گفتمان انقلاب اسلامی با رویکرد آینده پژوهی از اهمیت و جایگاه ویژه ای برخوردار می باشد. بر این مبنا نیازمند شناسایی عوامل و روند های تاثیر گذار بر آینده این حوزه، تدوین سناریوهای آینده برنامه ریزی در جامعه شهری و تبیین راهبردها با رویکرد آینده پژوهی می باشیم.

^۱. Cultural turn

^۲. Jameson

^۳. Smart

^۴.Castells

۲. مفاهیم و مبانی نظری پژوهش

در این قسمت جهت مشخص شدن مفاهیم به کار رفته در این پژوهش، به تعریف مفاهیم و بیان ویژگی‌های آن می‌پردازیم:

- آینده‌پژوهی

در تعریف آینده‌پژوهی حوزه‌ای میان رشته‌ای است که دربرگیرنده مجموعه تلاش‌هایی برای ارائه تصاویر و بدیل‌هایی از آینده است. آینده‌پژوهی دانش و معرفت شکل بخشیدن به آینده، به شیوه‌ای آگاهانه، عاملانه و پیش‌دستانه است و انسان را از غافلگیری در برابر توفان سهمگین تغییرات و پیشرفت‌های سرسام‌آور محافظت می‌کند. به تعبیر وندل بل^۱، آینده پژوه به دنبال مطالعه نظام مند، کشف، ابداع، ارائه، آزمون و ارزیابی آینده‌های ممکن، محتمل و مطلوب است. آینده پژوهی انتخاب‌های مختلفی را راجع به آینده پیش روی افراد و سازمان‌ها قرار می‌دهد و در انتخاب و پی‌ریزی مطلوب‌ترین آینده به آنان کمک می‌کند (بل، ۲۰۰۳: ۷۳). آینده‌پژوهی به عنوان حوزه‌ای میان‌رشته‌ای درصدد بررسی آینده به منظور شناسایی انواع آینده‌های ممکن، محتمل و مطلوب جهت کاربرد آن در فرایند برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها می‌باشد تا از طریق شناخت مسائل آینده، راه‌های مواجهه با چالش‌ها و برون‌رفت از بحران‌ها را در قالبی روش‌شناختی و آینده-پژوهانه شناسایی کند و در هنگام تصمیم‌گیری فضای مربوط به آینده را مدنظر داشته و براساس آن با اتخاذ تصمیم‌گیری‌های راهبردی و مناسب، شرایط و موقعیت قابل پیش‌بینی در آینده به درستی مدیریت و تبدیل به فرصت نماید و در نهایت آینده‌ای مطلوب را در پیش روی انسان جهت ارتقا و کمال جایگاه انسان طراحی و ترسیم نماید. مطالعات حوزه‌های فلسفه و جامعه-شناسی نشان می‌دهند که جوهری از هر علم و یا فناوری، از فرهنگ و ارزش‌های حاکم بر جامعه، تأثیر می‌پذیرد (چالمرز، ۱۳۸۵: ۳۶-۴۸). علوم و فناوری‌های نرم "بی‌طرف" نیستند. چون به بافتارهای فرهنگی وابسته هستند. جین^۲ علوم و فناوری‌های نرم را مزیت رقابتی جوامع و سازمان‌ها در آینده می‌داند. آینده‌پژوهی در هر فرهنگی، نسخه خاص خود را می‌طلبد و برای اثربخشی آینده‌پژوهی در هر جامعه‌ای باید آن را بومی کرد (عنایت‌الله، ۲۰۰۷: ۱۹۸-۱۹۹).

- آینده شهر در گفتمان انقلاب اسلامی

گفتمان انقلاب اسلامی به عنوان یکی از عوامل کلیدی و مؤثر در همراه نمودن اقشار و طبقات مختلف ایران با جریان انقلاب نقش کلیدی و مؤثر ایفا نموده است. بعد از پیروزی انقلاب در

^۱. Wendell Bell

^۲. Jin

عرصه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، مدیریتی و... شاهد حاکم بودن این بعد از انقلاب بر فضای جامعه ایران می‌باشیم. در عرصه مدیریت شهری نیز عملاً شاهد روی کار آمدن و در رأس قرار گرفتن رویکرد های مشارکتی هستیم، می‌توان گفت معنویت‌گرایی برخاسته از روح دین و آموزه‌های آن به عنوان عاملی مهم و اساسی در هدایت و شکل‌گیری جریان‌های آینده مدیریت و برنامه ریزی شهری در ایران است. انقلاب اسلامی ایران با بهره‌گیری از پشتوانه‌ای فرهنگی گفتمان جدیدی در قالب گفتمان فرهنگی انقلاب اسلامی ایران به جامعه‌ی شهری ایران ارائه نمود. تحلیل گفتمان انقلاب اسلامی مستلزم شناخت صحیح از اندیشه‌ها، دیدگاه‌ها و گفتمان امام خمینی در تمامی ابعاد جامعه را شامل می‌شود. همان‌گونه که اشاره شد ماهیت انقلاب اسلامی ایران ماهیتی معنامحور و بر مبنای زیرساخت‌های فرهنگی محور است. جوهره‌ی اصلی آن را باید در روابط حاکم بر تعاملات انسانی در قالب روابط فرد با سایر افراد، فرد با جامعه جستجو نمود. در عرصه مدیریت و برنامه ریزی شهری مولفه فرهنگی منجر به تقویت رویکرد مشارکتی در این عرصه گردیده است. بر این اساس آینده برنامه ریزی شهری نیز شاهد تحولات نوینی خواهد بود.

شهر در الگوی ایرانی- اسلامی، هنوز جایگاه نظری و عملی خویش را برای ترسیم آرمان شهر، نیافته است. آن چه امروز قابل مشاهده است، عملکردی است که مبنای ساماندهی نظام شهری قرار گرفته و در چند دهه ی اخیر می‌توان آن را شناخت. تاثیر گفتمان انقلاب اسلامی در آینده مدیریت و برنامه ریزی شهری به تدریج به خواستگاه شهر ایرانی اسلامی خویش نزدیک می‌شود. گفتمان درباره ی شهر نیز بر بنیان این خاستگاه مبتنی بر رویکرد مشارکتی بیان خواهد شد. از نقطه آغاز انقلاب اسلامی سال ۵۷ تا تحول انقلاب فرهنگی ۵۹ و جنبش تولید علم و نهضت نرم افزاری سال ۸۳ و "چرخش فرهنگی" در گفتمان انقلاب اسلامی در چند سال اخیر همگی در امتداد و تکامل گفتمان انقلاب اسلامی بوده اند. در تحلیل مدرنیته ی جامعه‌ی ایرانی و نظریه پردازی فرایند تحول جامعه شهری، نیازمند شکل دهی نظام معرفت شناختی است. این مبانی بر بنیان هویت ایرانی - اسلامی و همگرایی و هم افزایی سنت و مدرنیته، قابل بررسی می باشد. این رویکرد به ویژه در نسبت با بنیان دین شناختی و تداوم جنبش احیای اندیشه ی دینی در مدیریت آینده شهر به دنبال «تفقه در دین» به عنوان خاستگاه معرفت شناختی در تحقق آرمان شهر ایرانی اسلامی است. تفکر دینی در بستر تفقه در دین می تواند زیرساخت معرفتی گفتمان انقلاب اسلامی در عرصه مبانی نظری آرمان شهر قلمداد شود.

- آرمان شهر

چشم‌اندازهای آرمان‌شهری را می‌توان آرمان‌های بسیار بلندی دانست که در افق‌های دور تحقق خواهند یافت. سنت آفرینش چشم‌اندازهای آرمان‌شهری در مغرب زمین به عصر افلاطون و نگارش "جمهوریت" او بازمی‌گردد. پس از وی اندیشمندان نامداری چون توماس مور و فرانسیس بیکن در عصر روشنگری به نگرش آرمان‌شهرهایی پرداختند که تمدن کنونی غرب را می‌توان محصول آن‌ها دانست (ملکی فر و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۹). در قرن بیستم اندیشگاه‌هایی چون کلوپ رم و در سال‌های اخیر پروژه‌ی هزاره که توسط دانشگاه سازمان ملل پیگیری می‌شود، از نهادهای برجسته‌ای هستند که آفرینش چشم‌اندازهای آرمان‌شهری برای تمدن غرب و حتا جهان را بر عهده داشته‌اند. به عنوان مثال در پروژه‌ی هزاره، مطالعه‌ای تحت عنوان سناریوهای هنجاری ۲۰۵۰ (یا همان چشم‌اندازهای آرمان‌شهری ۲۰۵۰) صورت گرفته است که چشم‌اندازهای مطلوب جهانی را ترسیم می‌کند (بزولد و همکاران، ۲۰۰۹: ۶). اهمیت چشم‌اندازهای آرمان‌شهری در این است که هرچه بتوانیم آینده‌های دورتری را ببینیم می‌توانیم تغییرات ژرف‌تری ایجاد کنیم.

- سیستم برنامه ریزی فرهنگی شده بر مبنای رویکرد اسلامی ایرانی

عامل پویای برنامه ریزی در نظام اجتماعی فرهنگ و عامل پائینی فرهنگ، اخلاق می باشد. در راستای تبیین جایگاه برنامه ریزی فرهنگی شده در آینده نظام برنامه ریزی بر مبنای گفتمان انقلاب اسلامی لازم است، فرهنگ در متن نظام برنامه ریزی قرار گیرد به عبارتی برنامه ریزی در نظام برنامه ریزی کشور دارای ماهیت و هویت فرهنگی گردد. لذا نیازمند توجه به مبانی روش شناختی و معرفت شناختی در عرصه نظریه برنامه ریزی می باشیم، رویکرد برنامه ریزی فرهنگی شده، ایجاد ساختارهای جدید در نظام برنامه ریزی را تجویز می نماید، این ساختارها در ابعاد سطح کلان، رصد فرهنگی بر مبنای مزیت‌های منطقه ای می باشد، سطح تحلیل شهر نیازمند یک برنامه جامع با رویکرد آینده پژوهی است که نظام مدیریت شهری نیز باید با آن منطبق شود و چشم انداز شهر بر اساس مبانی سیستم فرهنگی شده تدوین گردد، ورود در مبانی روش شناختی برنامه ریزی منجر به ایجاد و پیشنهاد الگوهای جدید و تغییرات ساختارهای اجرایی و ایجاد رویکردهای جدید می گردد. نگاه آینده پژوهانه در سایه رویکرد فرهنگی قابل تبیین می باشد در رویکرد آینده پژوهی دو مولفه چشم انداز بلند مدت و توجه به مبنای انسانی مورد تاکید می باشد. در عمیق ترین سطح آن مبانی معرفتی اخلاق نقش ایفاء می نماید. اخلاق افزون بر فرهنگ سازی در ابعاد اجتماعی و فردی زمینه را برای اجرای بهینه قوانین اجتماعی و احکام شرعی فراهم می سازد.

۳. روش‌شناسی پژوهش

در تحقیق حاضر با توجه به دو قسمت نظری و کاربردی این موضوع از روش توصیفی-تحلیلی و موردی - زمینه‌ای استفاده می‌شود. از این روش‌های تحقیق پیمایشی، اسناد و مدارک علمی و روش تحلیل داده‌های ثانویه مورد نظر خواهد بود. و از روش‌های مختلفی چون "تحلیل روند"، "پانل خبرگان" و "سناریو" نیز استفاده خواهد شد. تحلیل روند، روش مناسبی به منظور شناسایی، توصیف و جهت‌دهی روندها است. بر این اساس، این تحقیق، وضعیت گذشته را برای دستیابی به شناخت لازم در رابطه با موضوع، با مدنظر داشتن جریان‌ها و روندهای موجود به دقت مطالعه و بررسی قرار می‌دهد. این مطالعه ادامه می‌یابد تا به زمان حال متصل گردد و وضعیت موجود به لحاظ ماهیت و اشکال تغییرات محیط و نحوه‌ی مدیریت آن را بررسی می‌کند. سپس با ایده‌های به دست آمده از مطالعه روندپژوهی، نگاه آینده‌محور درباره چگونگی تبیین سناریوهای حاصل می‌گردد.

روش سناریونویسی برای آینده‌پژوهی وحدتی روش‌شناختی^۱ به ارمغان می‌آورد. (وندل بل: ۲۰۰۳) رویکردها، تکنیک‌ها و فرایندهای اجرایی این روش به گونه‌ای است که می‌تواند تمامی روش‌های آینده‌پژوهی را با یکدیگر تلفیق کرده و یا داده‌های ورودی بسیاری از روش‌ها را شکل دهد. سناریوها وظیفه‌ای مهم در حوزه‌ی چشم‌اندازسازی دارند و به ما اجازه می‌دهند دیدگاه و بینشی خاص در مورد آینده‌ی مطلوب و موردنظر مردم به دست آوریم. آن‌ها از این نظر مهمند که افراد صرفاً به جای پیش‌بینی آینده می‌توانند به صلاحیت خلق آینده دست یابند. روش سناریونویسی، شیوه‌ای برای بهبود تصمیم‌گیری در برابر آینده‌های ممکن^۲ و محتمل^۳ است. کوتاه‌ترین و شیواترین تعریف سناریو را وندل بل^۴ بیان کرده است که سناریوها را محصول روش‌های آینده‌پژوهی می‌داند. "ماگورو مارویاما"^۵ و آرتور ام، هارکنیز^۶ (۱۹۷۸)، رید دی راینر^۷ (۱۹۸۷)، رابرت بی تکستور (۱۹۷۹، ۱۹۸۰، ۱۹۸۳ و همکاران ۱۹۸۴) و دیگر انسان‌شناسان آینده‌پژوه (رازاک و کول^۸، ۱۹۹۵) روشی را ابداع کردند که "انسان‌شناسی پیش‌بینانه"^۹ یا

1. Methodological Unity

2. Possible

3. Probable

4. Wendell Bell

5. Magoroh Maruyama

6. Arthur M. Harkins

7. Reed D. Riner

8. Razak and Cole

9. anticipatory anthropology

"آینده‌پژوهی فرهنگی" نامیده شد^۱ (وندل بل، ۲۰۰۳). آینده‌پژوهی قوم‌نگاشتی نیز همچون دیگر دیگر روش‌های آینده‌پژوهی نیازمند سناریونویسی است، اما بر خلاف بیشتر آن‌ها، سناریو را محور برنامه‌های خود قرار می‌دهد. هدف از تدوین سناریوها، خلق فضای بررسی احتمال آینده‌های ممکن، به‌گونه‌ای است که بتوان پابرجایی سیاست‌ها را در برابر طیفی از چالش‌های آینده آزمود. سناریوها همچنین به ما کمک می‌کنند عوامل شگفتی‌ساز^۲ را در چارچوب چالش‌ها یا فرصت‌های بالقوه بشناسیم. سناریوها ابزارهایی ارزشمند برای کاوش محیطی هستند که در آن راهبردها و سیاست‌های ما به اجرا در خواهند آمد (لیندگرام و بنهولد: ۲۰۰۳).

۳-۱- معرفی روش سناریوپردازی

سناریوپردازی اولین بار توسط موسسه رند در دهه ۱۹۵۰ معرفی شد. پروژه‌های سناریو باید از شناخت مشتری و نظام آرمانی آن آغاز شود (هیجدن: ۲۰۰۵). برنامه‌ریزی سناریویی متداول‌ترین ابزار مفهومی مورد استفاده توسط راهبردنویسان است. در واقع، حاشیه‌ی بزرگی بین روش برنامه‌ریزی سناریویی و متداول‌ترین ابزار مورد استفاده بعدی وجود دارد. یک مطالعه‌ی جداگانه صورت گرفته توسط همین گروه (بورد) نشان داد که نیمی از اعضای شرکت‌ها به نحوی از برنامه‌ریزی سناریویی استفاده کرده‌اند. برنامه‌ریزی سناریویی بیش از آن که یک "ابزار" باشد یک روش عمل‌گرای تفکر راهبردی است که بر وجود عدم قطعیت در تمام نتایج اذعان دارد. هر انسانی بنا بر طبیعت خود یک سناریونویس است. ما به‌عنوان فرد تفکر سناریویی داریم و تفکر فردی درباره‌ی آینده بدون آن امکان‌پذیر نیست. در نتیجه، سناریوها بخشی از هر گفتگوی راهبردی سازمانی هستند. هر سازمانی جنبه‌هایی از آن را به‌کار می‌گیرد، که در بعضی موارد بیش‌تر و در بعضی موارد کم‌تر است (بیل و کیز: ۲۰۰۷).

۴. روندها، پیشران‌ها و سناریوهای آینده‌مدیریت و برنامه‌ریزی در شهر

از آنچه بیان شد مهمترین روند در برنامه‌ریزی و ساختار مدیریتی شهر در ایران، عنصر آینده‌پژوهی شهری می‌باشد، البته این رابطه دوسویه و تعاملی است. بر مبنای مطالعات اسنادی عوامل و روندهای موثر شناسایی و مورد بررسی قرار گرفته است، بر مبنای نتایج حاصله و جمع‌بندی روندها و پیش‌ران‌ها در چند دسته اقدام به تدوین سناریوها شده است، روند شاخص جهت بررسی آینده برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، رویکرد "فرهنگی سازی" در نظام برنامه‌ریزی می

^۱. cultural futures research

^۲. Wild Cards

باشد. آینده برنامه ریزی در نظام توسعه شهری آینده ایران مبتنی بر گفتمان انقلاب اسلامی چه سناریوهایی می تواند داشته باشد؟ آینده های ممکن و مطلوب حوزه برنامه ریزی با توجه به مولفه توسعه شهری تبیین خواهد شد. آینده های ممکن بر مبنای یک چارچوب نظری و شناسایی روند ها حاصل شده است این مبنای نظری در چارچوب "فرهنگی سازی برنامه ریزی" قرار دارند. با توجه به اینکه تاکید پژوهش بر این است که عمده ترین بستر موثر بر آینده مدیریت شهری، فرهنگ و گفتمان انقلاب اسلامی می باشد؛ مبنای و مولفه های ساختارهای مدیریتی و برنامه ریزی شهر به عنوان روندهای کلیدی در سناریوسازی مد نظر قرار گرفته است. در این بخش از نظرات متخصصان و صاحب نظران این عرصه به عنوان خبرگان استفاده شده است.

در سناریونویسی برای آینده، ترکیبی از آینده های ممکن، محتمل و باورکردنی به عنوان آینده ی مطلوب ترسیم می شود و جهت رسیدن به آن آینده، سناریوهای مختلف تدوین می شود که سید سناریوهای متناقض، متناسب، متفاوت و متشابه را تشکیل می دهد. تدوین سناریوهای محتمل و پیش رو بر اساس شناسایی عوامل و روند های موثر صورت گرفته است. سناریوسازی بر خلاف تصور عامیانه ای که وجود دارد، تنها به منظور شناسایی محتمل ترین آینده یا شناسایی آینده های مطلوب (خوشبینانه) و نامطلوب (بدبینانه) نیست؛ بلکه اصلی ترین کارکرد سناریوها شناسایی آینده های متنوع و باورپذیری است، که هر یک می تواند تحقق یابد؛ در صورتی که تحقق یابد منجر به تأثیرات متعددی بر موضوع مورد بحث، یعنی شهر، می شود. به این ترتیب سناریوها دربردارنده شرایطی هستند که در آن شرایط محیط شهر ها می تواند به شدت تحت تأثیر قرار گیرند. سناریوها باید بیش از هر موضوعی بتوانند فضای آینده مدیریت و برنامه ریزی شهر را ترسیم کنند.

در هر یک از سناریوها برخی از عوامل تأثیر گذار به صورت بهتری می توانند به ایفای نقش پردازند و بر همین اساس نیز می توانند رویدادهای مختلفی را نیز تحقق بخشند. در ادامه اصلی ترین مولفه های سازنده ی سناریوها نیز معرفی می گردند. سپس در ادامه توصیفی از بازیگران اصلی در این سناریوها ارائه می شود. در انتها نیز سناریوهای به صورت تشریحی توصیف می شوند. در تدوین سناریوها از روش شناسی «عدم قطعیت های بحرانی» استفاده شده است. بر اساس روش عدم قطعیت های بحرانی لازم است تا اصلی ترین عدم قطعیت هایی که آینده را شکل می دهند، شناسایی شوند. بر این اساس لازم است تا مهم ترین موضوعاتی که واجد شرایط زیر باشند، شناسایی شوند:

۱. موضوعاتی که اهمیت بالایی در فضای آینده مدیریت و برنامه ریزی شهری داشته باشند. به عنوان مثال موضوعی مانند کاهش شدید منابع درآمدی شهرداری‌ها بر مبنای تغییرات سیاسی اقتصادی در سطح کلان، عامل بسیار مهمی در نیاز به تغییرات در نظام برنامه ریزی شهری و منطقه ای است.

۲. عدم قطعیت شدید و عمیقی داشته باشند. به عبارت دیگر نتوان با اطمینان بالایی در خصوص آن سخن گفت. چنانچه به مثال پیشین بازگردیم آشکار می‌شود که اگرچه کاهش درآمدی مورد اشاره یک موضوع دارای اهمیت بالا در شکل‌دهی به فضای شهری است، اما اگر این برآورد وجود داشته باشد که تغییرات برنامه ای قطعی هستند، آن‌گاه این موضوع دارای عدم قطعیت نخواهد بود. اما چنانچه این اطمینان وجود نداشته باشد و نتوان برای بازیگری فعالانه و کنش‌گرانه تغییرات احتمال بالایی داد، آن‌گاه این موضوع دارای عدم قطعیت خواهد شد. مبتنی بر این عدم قطعیت‌ها، سناریوهای اصلی فضای آینده مدیریت و برنامه ریزی در شهرها ترسیم می‌شوند. در این پژوهش ابتدا موضوعات، عوامل اصلی تاثیرگذار بر آینده مساله شناسایی شدند. سپس بر اساس مطالعه دیدگاه‌های جریان‌ها و بازیگران فعال مختلف در عرصه " آینده شهر"، دلایل و میزان عدم قطعیت‌های مرتبط با آن‌ها شناسایی شد. در انتها نیز مبتنی بر نظر تعدادی از خبرگان محورهای اصلی بحث انتخاب شدند.

۵. گام‌های سناریونویسی با استفاده از روش عدم قطعیت‌های بحرانی

این روش در اصل توسط پیر واک در دهه‌ی ۱۹۷۰ ابداع شد و توسط پیتر شوارتز در کتاب " هنر دورنگری" (۱۹۹۱) و کیس وندرهایدن در کتاب "سناریوها: هنر گفتگوی راهبردی" (۱۹۹۶) به‌طور گسترده مطرح شد و میلتن آن را "استاندارد طلایی سناریونویسی شرکت‌ها" نامید. پیتر شوارتز نقش غیرقابل انکاری در شرح و بسط و گسترش این روش داشته است. بسیاری از افراد این روش را نیز زیرمجموعه‌ی رویکرد منطق شهودی می‌دانند.

۵-۱- شناسایی روندها و پیشران‌ها

پس از شناسایی و تبیین مساله پژوهش که معمولاً راهبردی است. روندها و پیشران‌ها باید شناسایی شوند. روندها بر اساس این پیش‌فرض که تغییرات در جهان دارای پیوستگی تاریخی است، شکل می‌گیرند. پیشران‌ها نیروهای بنیادین تغییر یا حرکت در الگوها و روندها هستند. درک و فهم روابط فی مابین این نیروها بصیرتی را درباره ساختار مساله‌ای که به دنبال جواب آن

هستیم، ایجاد می‌کند. این نیروها خارج از کنترل مستقیم هستند. این نیروها می‌توانند اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، زیست‌محیطی و فناورانه، نظامی، و ... باشند. (PEST, STEEP, ...) بعضی از این نیروها تقریباً مشخص هستند (مثل جمعیت) و بعضی دیگر با عدم قطعیت بسیار همراه هستند (عقاید و افکار عمومی).

با اتکا به رویکردهای جدید برنامه‌ریزی، به شکل جدی پیشران‌های توسعه و تحولات آینده را بر پایه‌ی کلان روندها و روندهای ناپیوسته، سناریوسازی و بهره‌گیری واقع‌بینانه از توانمندی‌های جامعه‌ی شناسایی کنیم. روندها در اغلب روش‌ها و رویکردهای آینده‌پژوهی مورد استفاده قرار می‌گیرند و در بیشتر تحقیقات مرتبط با آینده، اولین بخش از فعالیت مطالعه آینده را تشکیل می‌دهند.^۱ روند عبارتست از تغییرات منظم، مستمر و یا دوره‌ای در پدیده‌ها در طول یک بازه‌ی زمانی. تغییرات مذکور ممکن است به شکل کیفی یا کمی باشد. به عنوان مثال، می‌توان به روند تغییرات جمعیت (کمی)، یا روند تغییر ارزش‌ها (کیفی) اشاره نمود.

پیشران‌ها، مجموعه یا خوشه‌ای از یک یا چند مولفه یا روند مرتبط هستند که با هم به آینده شکل می‌دهند. پیشران‌ها در حقیقت بیانگر عوامل ایجاد تغییر در یک موضوع هستند که گاهی اوقات نیز به عنوان کلان روند از آن‌ها نام برده می‌شود. "پیشران، مجموعه یا خوشه‌ای از یک یا چند مولفه یا روند مرتبط است که با هم به آینده شکل می‌دهند. به عبارت دیگر، مولفه‌ها یا عواملی اصلی متشکل از چند روند که باعث ایجاد تغییر در یک حوزه‌ی مورد مطالعه می‌گردند."^۲ (ولی، ۱۳۸۶).

الف) دسته‌بندی پیشران‌ها و کلان روندهای (سطح تحلیل بین‌المللی)

با بررسی اسناد مختلف، به دسته‌بندی‌های گوناگونی از پیشران‌ها و روندها بر می‌خوریم. به عنوان مثال، در یک پیمایش محیطی عوامل مختلف در حوزه‌های گوناگون مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرند که از آن جمله می‌توان مسائل سیاسی، علم و فناوری، کشاورزی و غذایی، منابع طبیعی، انرژی، جمعیت، آموزش، رفاه عمومی، ارتباطات و حمل و نقل، اقتصاد داخلی و بین‌المللی، مسایل فرهنگی و اجتماعی و غیره اشاره نمود. رویکرد استیپ^۳ و موارد مشابه آن مانند دیجست^۴، پست^۵، پستل^۶ و غیره شیوه‌های مختلفی هستند که حوزه‌ها یا پیشران‌های مورد بررسی در یک

۱. www.iri1404.ir

۲. Social, Technological, Economical, Environmental, Political (STEEP)

۳. DEGEST

۴. PEST

۵. PESTLE

مطالعه آینده‌پژوهی را تعیین می‌کنند (ولی، ۱۳۸۶). در ادامه بر اساس مطالعه اسناد آینده پژوهی پیشران‌ها و کلان روندهای این عرصه در جدول ۱ ارائه شده اند.

جدول ۱: پیشران‌های، کلان روندهای در سطح تحلیل بین المللی

ردیف	پیشران‌ها، کلان روندها و روندهای راهبردی
۱	رشد شهر نشینی - کاهش منابع آب - افزایش آلودگی های زیست محیطی
۲	اجتماعی، فرهنگی و جمعیت‌شناختی، قوانین و اخلاقیات
۳	جمعیت و خانه‌داری؛ نابرابری و انسجام اجتماعی؛ ارزش‌ها و نگرش‌ها؛ گردشگری و اوقات فراغت؛ پویایی‌های شهری و روستایی
۴	انفجار جمعیت و تغییرات اجتماعی
۵	شمار بالای سالمندان؛ سیل جمعیت
۶	جمعیت‌شناسی، برداشت‌ها، اعتقادات، ارزش‌ها و نگرش‌ها

ب) دسته‌بندی پیشران‌ها و کلان روندهای (سطح تحلیل ملی)

روندهای مؤثر بر آینده مدیریت و برنامه‌ریزی شهری مبتنی بر رویکرد پیمایش محیطی در محورهای (اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی) شناسایی شده‌اند. روندهای در حال ظهور هستند که می‌تواند آینده این حوزه را تصویرپردازی نمایند.

ردیف	اقتصادی	سیاسی	اجتماعی	فرهنگی
۱	افزایش تراکم در شهر	افزایش مطالبات سیاسی و انتظارات شهروندان	نقش و حضور زنان در شهر	روند تجددگرایی شهر نشینی
۲	افزایش تأثیرات فناوری های نو	رواج بی تفاوتی سیاسی	کاهش انسجام اجتماعی	تغییر عقاید و ارزش های جامعه
۳	کارآفرینی شهری	حقوق شهروندان و مشارکت سیاسی	تشدید آسیب های اجتماعی	گرایش به الگو های غربی
۴	رفاه طلبی و مصرف گرایی	تروریسم	تغییر در سبک زندگی و امید به آینده	گرایش به رسانه های غربی

۵	اقتصاد فرهنگ	افزایش واگرایی ملی بر مبنای رابطه فرهنگ و قومیت	القای احساس نا امنی اجتماعی	دیپلماسی فرهنگی
۶	افزایش همگرایی فناوری و شهر	تغییر در ساختار مدیریت شهر (یکپارچه)	شاخص های اجتماعی (طلاق، اعتیاد)	مشارکت فرهنگی در شهر
۷	اقتصاد فرهنگ و کالایی شدن فرهنگ	تغییر در ترجیحات سیاسی	مشارکت اجتماعی	تغییر ساختار و فرایندهای خانواده

بر اساس شناسایی عوامل و روندهای موثر با روش پیمایش کلان روندها و پیشران ها به شرح ذیل می باشند.

جدول ۲: کلان روندها و پیشران های ملی

ردیف	روند ها و پیشران های (رویکرد پارادوکسیکال)
۱	تغییر در سبک زندگی و امید به آینده (تفکر ارزشی - تفکر مادی)
۲	افزایش تجددگرایی شهر نشینی (افزایش - کاهش)
۳	تغییر در نظام مدیریت شهری (مدیریت بخشی - مدیریت یکپارچه)
۴	افزایش واگرایی ملی بر مبنای رابطه فرهنگ و قومیت (همگرایی - واگرایی)
۵	جریان اقتصادی یا جریان سیاسی
۶	افزایش تراکم در شهر (تراکم تعامل اجتماعی) (افزایش - کاهش)

۲-۵- رتبه بندی نیروهای پیشران براساس درجه ی اهمیت و عدم قطعیت

در روش عدم قطعیت های بحرانی تلاش می شود تا موضوعاتی محور اصلی بحث شوند، که هم زمان هم اهمیت بالایی دارند و هم آن که دارای عدم قطعیت باشند. به این منظور لازم است تا ابتدا فهرستی از موضوعات تهیه شود و سپس «عدم قطعیت های بحرانی» شناسایی شوند؛ و از آن ها به عنوان محورهای بحث بهره گرفته شود.

رتبه بندی پیشران ها براساس درجه ی اهمیت آن ها برای موفقیت موضوع یا تصمیم اصلی و عدم قطعیت آن ها صورت می گیرد. نکته ی اصلی شناسایی دو یا سه عامل یا روندی است که بیش از دیگران اهمیت داشته و یا بیش ترین عدم قطعیت را دارا باشند. نمی توان با استفاده از عناصر مشخص هم چون پیر شدن جمعیت بین سناریوها تمایز گذاشت زیرا این عناصر در تمامی سناریوها به طور تقریبی یکسان هستند. برای مشخص کردن فضای سناریو، به پیشران های اصلی نیاز داریم که دارای بالاترین اولویت از نظر اثرگذاری و همچنین بالاترین اثرپذیری و عدم قطعیت باشند. با توجه به بررسی روابط و وابستگی بین شش پیشران اولویت دار یاد شده با استفاده از نظر نخبگان می توانیم این کار را انجام دهیم. در این راستا با مقایسه پیشران ها بصورت دو دویی و با

دریافت نظر خبرگان، تأثیر و اهمیت هر یک از پیشران‌ها را نسبت به پیشران‌های دیگر از خبرگان مشخص می‌کنیم، ارتباط هر پیشران با خودش صفر در نظر گرفته می‌شود و چنانچه یک پیشران با پیشران دیگر هیچ ارتباطی نداشته باشد امتیاز آن صفر خواهد بود. اگر ارتباط تنها بالقوه باشد، p اختصاص داده خواهد شد. امتیازهای داده شده از سوی پانل خبرگان در ماتریس ذیل آمده است. در هر مورد، متوسط امتیازهای داده شده در نظر گرفته شده است.

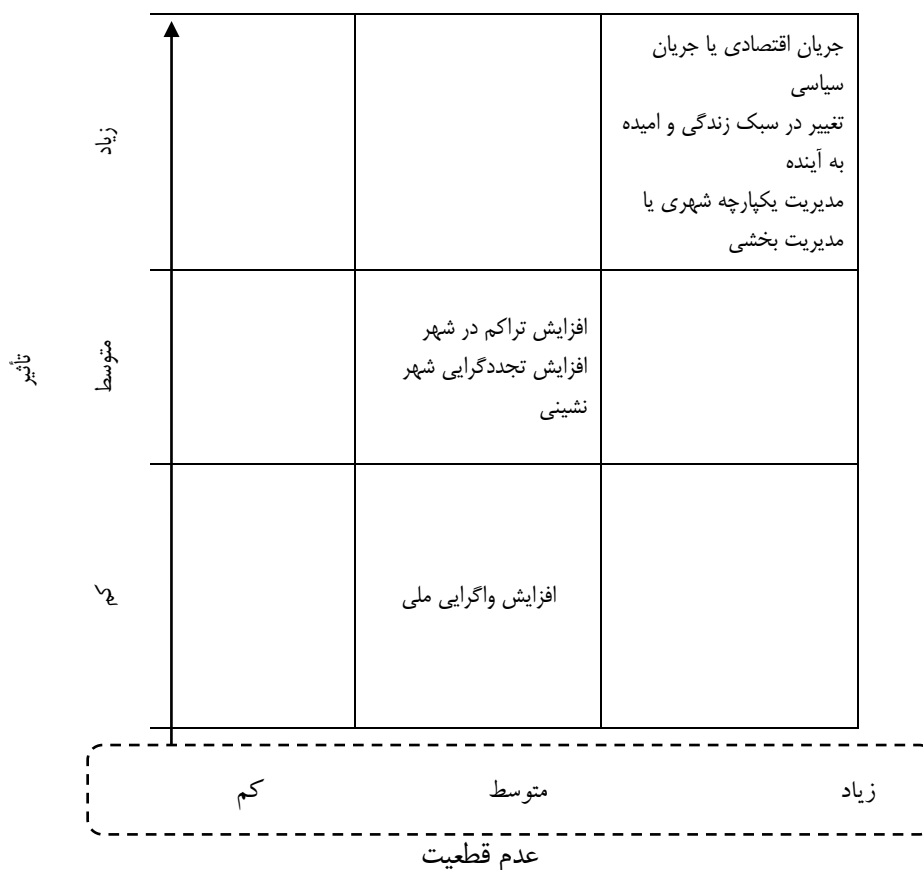
جدول ۳: ماتریس امتیازات رابطه هر پیشران نسبت به پیشران‌های دیگر

افزایش تجددگرایی شهر نشینی	تغییر در سبک زندگی و امید به آینده و افزایش انتظارات	افزایش تراکم در شهر	تغییر در نظام مدیریت شهری	افزایش واگرایی ملی بر مبنای رابطه فرهنگ و قومیت	جریان اقتصادی یا جریان سیاسی
افزایش تجددگرایی شهر نشینی	۰	۲	۲	۱	۲
تغییر در سبک زندگی و امید به آینده	۲	۲	۳	۲	۳
افزایش تراکم در شهر	۲	۰	۱	۲	۳
تغییر در نظام مدیریت شهری	۲	۱	۰	۲	۳
افزایش واگرایی ملی بر مبنای رابطه فرهنگ و قومیت	۱	۱	۱	۰	۲
جریان اقتصادی یا جریان سیاسی	۲	۳	۳	۳	۰

همان گونه که مشاهده می‌شود بیشترین امتیازات در سطرهای مربوط به "تغییر در سبک زندگی و امید به آینده"، "جریان اقتصادی - اجتماعی یا جریان سیاسی" و "تغییر در نظام برنامه ریزی و مدیریت شهری" وجود دارد.

جدول ۴: جدول امتیازات پیشران ها

پیشران ها	جمع امتیاز سطر ها	جمع امتیاز ستون ها
افزایش تجددگرایی شهر نشینی	۱۰	۹
تغییر در سبک زندگی و امید به آینده	۱۲	۱۳
افزایش تراکم در شهر	۱۰	۹
تغییر در نظام برنامه ریزی و مدیریت شهری	۱۱	۱۰
افزایش واگرایی ملی بر مبنای رابطه فرهنگ و قومیت	۷	۱۰
جریان اقتصادی- اجتماعی یا جریان سیاسی	۱۴	۱۳



شکل ۱: دسته‌بندی عوامل مهم و پیشران‌های شناسایی شده

۳-۵ انتخاب منطق حاکم بر سناریوها

نتیجه و محصول گام سوم، محورهایی است که سناریوهای نهایی براساس آن‌ها متمایز می‌شوند و مشخص کردن این محورها، در واقع یکی از مهم‌ترین گام‌های فرایند سناریوسازی است. هدف نهایی، رسیدن به سناریوهایی است که تفاوت‌های موجود بین آن‌ها برای تصمیم‌گیرندگان قابل توجه باشد. پس از مشخص شدن محورهای اصلی عدم قطعیت‌های بحرانی، می‌توان آن‌ها را به صورت یک گستره (بر روی یک محور) یا ماتریس (با دو محور) یا حجم (با سه محور) نشان داد به نحوی که سناریوهای مختلف قابل شناسایی بوده و جزئیات آن‌ها قابل شرح و بسط باشند.

۶. عدم قطعیت‌های بحرانی

از میان موضوعات مختلف سه عدم قطعیت اصلی شناسایی شد که عبارت بودند از:

عدم قطعیت ۱: تغییر در مدیریت شهری (مدیریت یکپارچه شهری یا مدیریت بخشی)

در سال‌های گذشته تغییرات در نظام شهری عموماً جزئی بوده است. شرایط کنونی امکان تغییرات بنیادی در فضای اقتصادی-اجتماعی را فراهم نموده است و می‌تواند آنان را به سمت گزینش بر مبنای رفع نیازها و ... سوق دهد. هر چند این گرایش در میان بخشی از جامعه است. جایگاه گفتمان انقلاب اسلامی در افزایش سطح آگاهی و افزایش مشارکت شهروندان به عنوان محرک این بخش عمل می‌نماید.

عدم قطعیت ۲: جریان اقتصادی یا جریان سیاسی

افزایش فشارهای اقتصادی در جامعه شهری از یک سو و تغییرات در نحوه و عملکرد دولت در حوزه آمایش سرزمین و مدیریت شهری به عنوان پیش‌ران‌های تغییرات نظام برنامه ریزی عمل می‌نماید. اما از سوی دیگر تحویل معضلات اقتصادی-اجتماعی به موضوعات سیاسی، در شکل‌گیری فضای اقتصادی-اجتماعی فعلی نیز پیش‌رانی است که به صورت معکوس عمل می‌نماید و در نتیجه فضا را تبدیل به یک عدم تعادل عملکردی می‌گردد. تغییرات آینده مبتنی بر تحولات در جریان می‌تواند تبدیل به یکی از دو وضعیت مورد اشاره، شود. تغییرات در قوانین مدیریت شهری در مجلس، شکل‌گیری ساختارهای جدید که می‌توانند تأیید عملکرد را بگیرند و همچنین شدت بحرانی‌شدن اوضاع اقتصادی و اجتماعی به عنوان پیش‌ران‌هایی برای افزایش احتمال تحقق حالت فوق خواهد بود.

عدم قطعیت ۳: تغییر در سبک زندگی و امید به آینده (نگرش مادی-نگرش ارزشی)

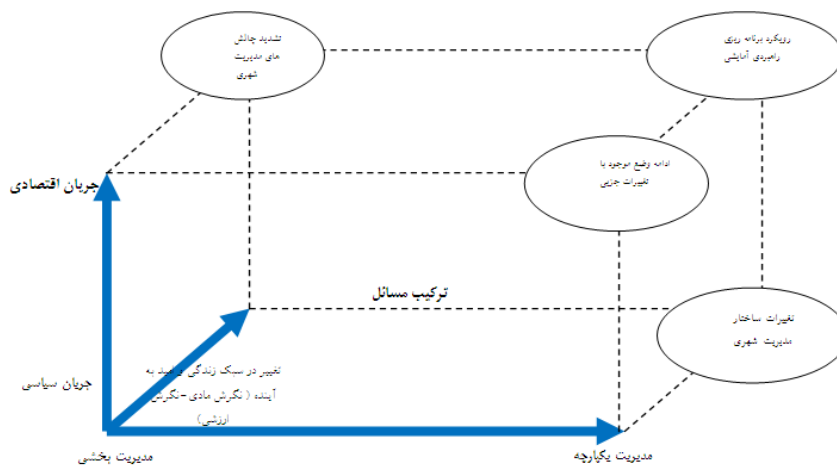
«ارزش‌ها» به‌عنوان عاملی در زمان حال، منجر به ساخت و شکل‌گیری آینده می‌گردند. شاخص این مطلب؛ امید به آینده می‌باشد. امید به آینده از مهم‌ترین پیشران‌ها در شکل‌دهی به تحولات آینده است. فرد و جامعه‌ای که یأس آنان را فراگرفته باشد انگیزه هیچ اقدامی سازنده در آنان شکل نخواهد گرفت.

۷. سناریوهای برنامه‌ریزی فرهنگی شده شهری در ایران

سناریوها از تقاطع میان عدم‌قطعیت‌های بحرانی شکل گرفته است. به این ترتیب آن‌گونه که در شکل زیر بیان شده است، می‌توان به ۴ سناریو اشاره کرد. هر چند در اصل ۸ سناریو وجود دارد، اما ۴ سناریو احتمال تحقق بالاتری دارند، که در شکل زیر آمده است. در این شکل می‌توان به ۴ سناریوی اصلی اشاره نمود:

- ادامه وضع موجود با تغییرات جزئی
- تشدید چالش‌های مدیریت شهری
- تغییرات ساختار مدیریت شهری
- رویکرد برنامه‌ریزی راهبردی آمایشی

در این میان نکته قابل توجه آن است محورهای انتخاب شده اساساً متعلق به بعد مدیریت شهری یعنی برنامه‌ریزی و ساختارهای اجرایی است، تأکید بر وجه سیاسی در مقابل وجوه اقتصادی در فضای مشارکت طرح می‌شود.



شکل ۴: سناریوهای آینده مدیریت و برنامه‌ریزی شهری

در ادامه هر یک سناریوها تشریح شده‌اند. هر سناریویی از کنش و تعامل عوامل تأثیرگذار مختلف ساخته می‌شود.

۸. تحلیل یافته‌های حاصل از کلان سناریوهای فضای آینده

کلان سناریوهای مدیریت و برنامه‌ریزی شهری با رویکرد برنامه‌ریزی فرهنگی شده را می‌توان در ۴ سناریوی کلی خلاصه کرد. هر یک از کلان سناریوها در ادامه تشریح شده‌اند و بر اساس شناسایی عوامل و روندهای مؤثر، عوامل اصلی به همراه نوع کنش و تأثیر متقابل آنان تشریح شده است. بدیهی است که هر سناریویی مبتنی بر نگاهی ویژه به وضعیت کشور شکل می‌گیرد. نگاهی که منجر به تحقق آن سناریوی خاص می‌شود.

سناریو ۱: تغییرات ساختار مدیریت شهری

ماهیت مدیریت شهری در کشور بر اساس تغییرات مبانی اقتصاد سیاسی، در آینده با چالش‌ها و تغییرات ساختاری روبروست، پیش‌بینی می‌شود آینده مدیریت و برنامه‌ریزی شهری شهر از انسجام قوی تر و ارتباط معنی‌دار بیشتری با مدیریت یکپارچه شهری برخوردار باشد. در این وضعیت نقد وضعیت موجود و گذشته شدت خواهد یافت. ویژگی‌های اصلی که منجر به این تغییرات خواهد شد، عبارت بودند از:

- بروز و آشکار شدن شکاف در جامعه بر مبنای تشدید جریان اقتصادی، اجتماعی یا جریان سیاسی
- افزایش میل به مشارکت سیاسی و امید به تأثیرگذاری در مدیریت شهری
- مدیریت یکپارچه شهری یا مدیریت بخشی

شکاف‌های یک جامعه مبتنی بر آن دسته از اساسی‌ترین موضوعاتی شکل می‌گیرد، که حداقل دو جریان مرجع دارای موضع‌گیری‌های کاملاً متفاوتی نسبت به آن باشند و هر دو گروه بر موضع خود اصرار ورزند. بحران زمانی آغاز می‌شود که اولاً تعداد این موضع‌گیری‌های ایجادکننده شکاف زیاد شده است و ثانیاً (و مهم‌تر از اولی) آن‌که در تمامی موضع‌گیری‌های متفاوت، دقیقاً گروه‌های طرفدار ثابت باقی مانده‌اند. به عبارت دیگر شاهد هم‌پوشانی شکاف‌ها هستیم. موضوع دوم میل به مشارکت است. به نظر می‌رسد آرایه قوانین و آیین‌نامه‌های جدید می‌تواند به صورت هم‌زمان منجر به افزایش میل مشارکت نیز شود.

سناریوی ۲: تشدید چالش‌های مدیریت شهری

روند های حاکم بر آینده شهر متأثر از مباحث بین‌المللی، و در ابعاد ملی، تغییرات در اقتصاد شهر موجب تشدید چالش‌های مدیریت شهری خواهد شد، این امر فرصت‌ها و تهدیدهای مدیریت شهری را افزایش خواهد داد، و راهکار اثربخش و کارآمد تقویت و ایجاد ساختارهای جدید در نظام برنامه‌ریزی با تأکید بر اهداف سند چشم‌انداز ملی می‌باشد. ویژگی‌های اصلی که منجر به این تغییرات خواهد شد، عبارت بودند از:

- بحرانی شدن شرایط اقتصادی و اجتماعی
- تغییر در سبک زندگی و افزایش انتظارات (نگرش ارزشی - نگرش مادی)
- افزایش تهدیدها و بحران فرهنگی اجتماعی در سطح جامعه بر مبنای تشدید جریان اقتصادی یا جریان سیاسی.

سناریوی ۳: ادامه وضع موجود با تغییرات جزئی

روندهای پیش‌روی آینده شهر متأثر از محیط داخلی ناشی از عملکرد مدیریت شهر، کارآمدی عملکردی شهرها را تضعیف خواهد کرد. و در نهایت منجر به عدم دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز ملی و آرمان‌های متعالی آن خواهد شد. ویژگی اصلی که منجر به این تغییرات خواهد شد، عبارت بودند از:

- امکان حمایت دولت از اقتصاد شهر (اقتصاد سیاسی)،
- کنش‌گری فعال بازیگران عرصه سیاست شهری به جای رویکرد منفعلانه
- تشدید جریان اقتصادی، اجتماعی یا جریان سیاسی.

سناریوی ۴: رویکرد برنامه‌ریزی راهبردی آمایشی

بر مبنای رویکرد برنامه‌ریزی آمایش سرزمین، تحولات ساختاری و زیربنایی در برنامه‌ریزی فرهنگی شهر در آینده، موجب تقویت کارآمدی و اثربخشی عملکرد شهری بر مبنای مزیت‌های نسبی جغرافیایی خواهد شد. سه ویژگی اصلی که منجر به این تغییرات خواهد شد، عبارت بودند از:

- تغییرات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در کشور که تبدیل به عطش برنامه‌های جدید شده است.
- کاهش درآمدهای شهر بر مبنای تغییرات در اقتصاد سیاسی
- عدم کارایی نهادهای مدیریت شهری و حرکت به سوی مدیریت یکپارچه شهری.

جدول ۵: جمع‌بندی کلان‌سناریوها

سناریوها	دلایل و پیش‌ران‌ها	پیامدها
ادامه وضع موجود با تغییرات جزئی	امکان حمایت دولت از اقتصاد شهر (اقتصاد سیاسی) کنش‌گری فعال بازیگران عرصه سیاست شهری به جای رویکرد منفعلانه	توسعه ناهمگون شهرها عدم تطابق توسعه شهرها بر مبنای مزیت‌های رقابتی
تشدید چالش‌های مدیریت شهری	بحرانی‌شدن شرایط اقتصادی و اجتماعی شکاف فزاینده میان گروه‌های فعال در عرصه شهر افزایش تهدیدها و بحران در سطح جامعه	نارضایتی طبقه متوسط شهری کاهش یا حفظ سرمایه اجتماعی در سطح فعلی
تغییرات ساختار مدیریت شهری	بروز و آشکار شدن شکاف در جامعه بر مبنای کاهش درآمدهای شهر افزایش میل به مشارکت سیاسی و امید به تأثیرگذاری در مدیریت شهری عدم کارایی نهادهای مدیریت شهری	تغییرات در نظام بر نامه‌ریزی تغییرات در قوانین و مقررات تغییرات در ساختارها مدیریت شهری
رویکرد برنامه ریزی راهبردی آمایشی	تغییرات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در کشور که تبدیل به عطش برنامه‌های جدید شده است. کاهش درآمدهای شهر بر مبنای تغییرات در اقتصاد سیاسی عدم کارایی نهادهای مدیریت شهری	تغییرات در نظام برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای تمرکز بر مزیت‌های رقابتی شهرها ایفای نقش حاکمیتی و نظارتی با شدت بیشتر از سوی نهادهای دولتی مدیریت شهر تقویت نهادهای اجتماعی رویکرد فرهنگی‌سازی برنامه ریزی آشتی بر نامه‌ریزی شهری و آینده‌نگاری منطقه‌ای

سناریوی مطلوب در قالب "رویکرد برنامه‌ریزی راهبردی آمایشی" ارائه شده است. بر اساس بررسی روندها، رویدادها و بررسی عوامل مؤثر بر آینده مدیریت و برنامه‌ریزی شهری با روش پیمایش روندها پیش‌ران‌ها و عدم قطعیت‌ها شناسایی شدند. ماهیت این عدم قطعیت‌ها از یک تضاد (پارادوکس) برخوردار می‌باشند و بر مبنای رویکرد پارادوکسیکال تدوین گردیدند. رویکرد پارادوکسیکال در کنش با پدیده‌های اجتماعی عصر فرهنگی وجود دارند، مسأله اساسی چگونگی ورود این مفاهیم در متن برنامه‌ها می‌باشد. رویکرد پارادوکسیکال، اثرش در "عدم قطعیت‌های" شناسایی شده تبیین شده است و تأثیر اساسی بر فضای خلق سناریوها نیز گذاشته است. لازم به ذکر است در حوزه سناریونویسی ورود مفاهیم و رویکردهای پارادوکسیکال با رویکرد معرفت

شناختی پی‌گیری شده است. ماهیت تفکر سناریویی، راهبردی است. لذا ارتباط تنگاتنگی میان اصول تفکر سناریویی و تفکر راهبردی وجود دارد. این اصول عبارتند از:

۱. تفکر پارادوکسیکال
۲. تفکر چشم‌انداز محور
۳. تفکر در زمان و ... (لیندگران، باند هولد، ۲۰۰۳)

در حوزه معرفتی و روش‌شناسی سناریو، تفکر پارادوکسیکال به‌عنوان محور کلیدی در عرصه سناریوهای آینده مدیریت شهری مدنظر قرار گرفته است. حال سؤال‌های اساسی این است که چگونه این مبانی بر گام‌های پژوهش اثرگذار بوده است؟ عصر حاضر مملو از پارادوکس‌ها (تناقض‌ها) است. یکی از بزرگ‌ترین دام‌های موجود بر سر راه مدیران و برنامه‌ریزان، چشم‌پوشی یا حداقل دست‌کم گرفتن ضرورت مدیریت پارادوکس‌ها می‌باشد و شاهد آن هستیم و مدیران صرفاً تمرکز به یکی از جنبه‌های مدیریت راهبردی و نادیده گرفتن سایر جنبه‌ها گرایش دارند (مینتزبرگ و لامپل، ۱۹۹۹: ۲۱).

نتیجه‌گیری

اگر به عملیات و عملکرد روزانه مدیران و سازمان‌ها نگاه شود می‌توان دریافت که مدیریت و زندگی در جوامع شهری سراسر عدم قطعیت است. سناریوپردازی روشی است که در پاسخ به عدم قطعیت محیطی مطرح شده است و رشد یافته است. لذا روش برخورد سناریوپردازی با عدم قطعیت این است که حالات مختلف و متعدد محیط را در نظر می‌گیرد (تحت‌عنوان سناریو) و بر اساس حالات مختلف محیط، برنامه‌ریزی انجام می‌دهد. جوامع شهری آموخته‌اند که برای اتخاذ تصمیمات بزرگ و کوچک با عدم قطعیت دست به گریبان هستند. انسان به‌عنوان موجود محدودی که نمی‌تواند تمامی متغیرهای یک مساله و عواقب ناشی از اتخاذ یک تصمیم را از نظر بگذراند، همواره در پی مدل‌هایی است که بتواند با آن در فضای عدم قطعیت تصمیم بگیرد. رویکرد برنامه‌ریزی راهبردی آمایشی و رویکرد آینده‌پژوهی بر اساس تدوین مبانی معرفتی و روشی در حوزه برنامه‌ریزی شهری و ارتباط آن با برنامه‌ریزی راهبردی توانسته یک راه‌حل کاربردی ارائه نماید.

در برخی روش‌شناسی‌های سناریوپردازی، عدم قطعیت‌های کلیدی یا روندهای کلیدی را براساس احتمال رتبه‌بندی می‌کنند. ایده محوری روش سناریوپردازی این است بتواند آینده‌های چندگانه متعدد و متنوع را تحت عنوان سناریوهای مختلف فرموله کرده و تعداد مناسبی سناریو برای

ارزیابی و خلق گزینه‌های استراتژی‌ها فراهم کند. در تدوین مبانی نظری برنامه‌ریزی راهبردی آمایشی، تشریح شد که عصر حاضر عصر فرهنگی است، که نشان‌دهنده تشدید عوامل پارادوکسیکال بر پایه پذیرش تنوع فرهنگی به‌عنوان یکی از مفروضات می‌باشد. در کنش با پدیده‌های اجتماعی، ما شاهد افزایش پارادوکس‌ها می‌باشیم، لذا ورود و اثبات این رویکرد مدظر قرار گرفته است. در شناسایی عوامل و روندهای مؤثر بر مبنای شکاف وضع موجود و مطلوب، نیز به‌عنوان یکی از معیارهای پارادوکس مدنظر قرار گرفته است. در مرحله تدوین سناریوها، که بیشترین ارتباط در روش‌شناسی را با این تفکر دارد. مرحله عملی ورود دستاوردها و نتایج در حوزه "عدم قطعیت" با رویکرد پارادوکسیکال به تدوین سناریوها پرداخته شده است. سناریوی مطلوب در قالب برنامه‌ریزی راهبردی آمایشی تبیین شده است. لذا آینده‌مدیریت و برنامه‌ریزی شهری بر مبنای شکل‌دهی جدید برنامه‌ریزی از طریق فرهنگ، ارزش‌های جامعه و گفتمان انقلاب اسلامی قابل تصویرپردازی می‌باشد. نتایج و پیامدهای کلیدی این سناریو تغییرات در نظام برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، تمرکز بر مزیت‌های رقابتی شهرها، ایفای نقش حاکمیتی و نظارتی با شدت بیشتر از سوی نهادهای دولتی مدیریت شهر، تقویت نهادهای اجتماعی و افزایش مشارکت شهروندان می‌باشد.

منابع

۱. پورعزت، علی اصغر، ۱۳۸۲، تصویرپردازی از آینده: استراتژی اقدام در سیستم‌های اجتماعی، سخن سمت، شماره ۱۰، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
۲. پیران، پرویز، ۱۳۸۰، فرهنگ شهری، فصلنامه مدیریت شهری.
۳. تقوی، مصطفی، ۱۳۹۲، آینده‌پژوهی اسلامی: بررسی امکان‌پذیری و چگونگی تحقق آن، تهران، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری‌های دفاعی.
۴. جابری‌مقدم، مرتضی هادی، ۱۳۸۶، شهر و مدرنیته، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - سازمان چاپ و انتشارات فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران.
۵. چالمرز، آ.، ۱۳۸۵، چستی علم، ترجمه سعید زیباکلام، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

۶. داوری اردکانی، رضا، ۱۳۷۹، *اوتوپیی و عصر جدید*، تهران، نشر ساقی.
۷. روحانی، حسن، ۱۳۸۸، *درآمدی بر نظریه سرمایه فرهنگی، فصلنامه راهبرد*، سال هجدهم، شماره ۵۳.
۸. عقیل ملکی فر، عقیل و همکاران، ۱۳۸۵، *الفبای آینده پژوهی*، مؤسسه فرهنگی انتشارات کرانه‌ی علم.
۹. عنایت‌الله، سهیل، ۱۳۸۸، *پرسش از آینده*، ترجمه مسعود منزوی، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
۱۰. فاضلی، نعمت‌الله، ۱۳۹۱، *فرهنگ و شهر*، چرخش فرهنگی در گفتمان‌های شهری با تکیه بر مطالعات شهر تهران، انتشارات تیسرا و اداره کل مطالعات فرهنگی و اجتماعی تهران.
۱۱. فکوهی، ناصر، ۱۳۸۳، *انسان‌شناسی شهری*، تهران، نی.
۱۲. کاستلز، مانوئل، ۱۳۸۴، *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه، فرهنگ*، ترجمه چاوشیان تهران، طرح نو.
۱۳. مرکز ملی آمایش سرزمین، ۱۳۸۵، *راهنمای مطالعات آمایش سرزمین*، تهران، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، معاونت امور اقتصادی و هماهنگی برنامه و بودجه.
۱۴. معصومی اشکوری، حسن، ۱۳۸۷، *راهنمای علمی برنامه‌ریزی و آینده‌پژوهی*، انتشارات پیام، تهران.
۱۵. مودن‌جامی، محمد مهدی، ۱۳۸۹، *الگوی نقشه فرهنگی شهر تهران*، تهران، دانشگاه دفاع ملی، نشر شهر، چاپ اول.
۱۶. مونرو، مایلز، ۱۳۸۵، *اصول و قدرت چشم‌انداز*، ترجمه‌ی فرزانه میرشاه‌ولایتی، مرکز آینده-پژوهی وزارت دفاع.
۱۷. نی‌نوس، برت، ۱۳۷۷، *رهبری بصیر*، ترجمه‌ی محمد ازگلی و برزو فرهی، انتشارات دانشگاه امام حسین (ع).
۱۸. ولی، احمد رضا، ۱۳۸۶، *مطالعات اولیه فرایند آینده‌نگاری و انتخاب روش‌های مورد نیاز*، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری‌های دفاعی.

19. Abram, S. (2010), 'Culture and Planning. Aldershot, Ashgate.

20. Allmendinger, P. (2002), *Planning Theory* (Hampshire: Palgrave).

21. Bell, Wendell. (2003) *Foundations of Futures Studies* (2th ed.), New Jersey: Transaction Publishers.
22. Bezold, C and etall, (2009). "using Vision in futures in the future Research Methodology "version 3, Edited by J.C. Glenand T.J.Gordon, The Millennium project
23. Bianchini, F. (1999), cultural planning, town planning", in Creed, C.H.(Eds): *social town planning*, Rutledge, London.
24. Bishop, P., Hines, A. and Collins T. (2007) *The Current State of Scenario Development: An Overview of Techniques*, Foresight, Vol. 9, No. 1.
25. Castells, M. (1998), *The Rise of the Network Society, The Information Age: Economy, Society and Culture*, vol 1 (Oxford: Blackwell).
26. Cornish, E. (2004) *Futuring: The Exploration of the Future*, World Future Society, Bethesda, Maryland U.S.A.
27. Dunn Cavely, Myriam and Vauer, Victor, "Strategic Foresight and Warning In Age of Reflexive Intelligence", Center for Security Studies, Zurich, Switzerland, 2008.
28. Freeman, R. E. (1984) *Strategic Management: A Stakeholder Approach*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.
29. Freeman, R.E., Harrison, J.S., Wicks, A.C., Parmar, B.L. and Colle, S.D. (2010) *Stakeholder Theory: The State of the Art*, Cambridge University Press
30. Godet, M, (1979) *The Crisis in Forecasting and the Emergence of the Prospective Approach: With Case Studies in Energy and Transport*, translated by Pearse J D and H K Lennon, New York : Pergamon Press, p 4.
31. Godet, M., Durance, Ph. (2011) *Strategic foresight for Corporate and Regional Development*, DUNOD.
32. I.H. Ansoff, "Strategic Issues Management, Strategic", *Management Journal* 1 (1980) 131-148.
33. Inayatullah, S. (2012) *Futures Studies: Theories and Methods*, in *There's a Future: Visions for a Better World*, BBVA, 34-65.
34. Inayatullah, Sohail. (۲۰۰۷), *Questioning the Future (Methods and Tools for Organizational and Societal Transformation)*, Tamkang University, 3th Ed.

35. Jameson, F. (1984), 'Postmodernism, The Cultural Logic of Late Capitalism', *New Left Review*, vol. 146, 53–92.
36. Lindgren, Mats & Hans Bandhold (2003) "Scenario Planning: The link between future and strategy", Palgrave Macmillan Press.
37. Little, J.D.C., (1970) *Models and Managers: The Concept of a Decision Calculus*, *Management Science*, 16(8): 466-485.
38. Mendonca, Sandro, "Wild Cards, Weak signals and Organizational Improvisation, *Futures*", 36, 2004, 201-218.
39. Mintzberg H., Ahlstrand B & Lampel J. (1998) "Strategic Safari" Harper Rows
40. Schwartz, P. (1991) *The Art of the Long View*. New York: Doubleday.
41. Smart, B. (1993), *Postmodernity* (London: Routledge).
42. Soja, E. (1993), *Postmodern Geographies. The Reassertion of Space in Critical Social Theory* (London: Verso).
43. *The Millennium Project* (2011) *Futures Research Methodology*.
44. Young, G. (2008), *Reshaping Planning with Culture*, Aldershot: Ashgate.